

## جزیره هرمز از سفرنامه ماهوان چینی « ۸۳۷ هـ / ۱۴۳۳ م »

منصور لوایی \*

### چکیده

روابط میان پادشاهی هرمز و چین در درازای حکمرانی دودمانی سونگ (۱۲۷۰-۹۶۰ م) و سلسله یوان (۱۳۶۸-۱۲۷۱ م) پر رونق بود. در دوره فرمانروایی سلسله مینگ (۱۳۶۷-۱۶۲۲) که موضوع سفرنامه پیش رو مربوط به این دوره است، شاهد اعزام فرد مسلمانی به نام « ژن خی » در رأس یک ناوگان بزرگ برای دیدار از هرمز و توسعه مناسبات دریائی با آن پادشاهی بود. ژن خی، هفت سفر دریائی به منطقه داشت. نخستین سفر او در سال ۱۴۰۵ و هفتمین آن ها به سال ۱۴۳۳ بود.

ماهوان، که مترجم این ناوگان و فردی مسلمان بود در سه سفر چهارم، ششم و هفتم، ژن خی را در سفر به هرمز همراهی کرد. این سه سفر به او فرصت کافی داد که به گردآوری جزئیات سفرنامه خود بپردازد. وی در این سفرنامه تصویری از جنبه‌های آئینی و چشم انداز کامل اجتماعی - اقتصادی هرمز سیاهه کالاهای وارداتی و صادراتی ف عرف و عادت، بازارها و بازرگان‌ها، روابط تجاری و... به دست می‌دهد. به طور کلی ماهوا، جامعه هرمز را به چشم جامعه آرمانی نگریسته است و بر خلاف تمام مورخان و جهانگردان، تصویر زیبایی از این شهر ترسیم می‌کند سراسر آکنده از غیرت دینی، رفاه مادی و بهرورزی و خوشبختی.

\* عضو هیأت علمی دانشگاه هرمزگان

مناسبات تجاری میان ایران و چین به روزگار فرمانروایی دودمان سونگ (۱۲۷۰ - ۹۶۰ م) و سلسله یوان (۱۳۶۸ - ۱۲۷۱ م) پر رونق بود. اما سلسله مینگ (۱۳۶۷ - ۱۶۲۲ م) به ویژه در ابتدای آن، سیاست درهای بسته را در تجارت بین المللی پیشه کرد. در نتیجه این سیاست، چینی‌ها از تجارت دریائی باز ماندند و از تعداد بازرگانان بیگانه در چین فرو کاسته شد و در این میان تجارت مستقیم دریائی میان چین، هند غربی و ایران کاملاً نقصان یافت. با این همه، در شجره‌نامه‌های خاندان مسلمان لین در «چوین ژو» از ایالت فوجیان، اشاره به اعزام سفرای دربار مینگ به هرمز در طی این دوره وجود دارد. در این گزارش آمده است که «لین نو» جد دوم قبیله لین در سال ۱۳۷۶ م مأمور شد که با کشتی به «شی یان» (جنوب غربی و غرب آسیا) برود که او در آنجا با یک زن سمورن (مسلمان) ازدواج کرد. (۱)

به روزگار «ژودی»، سومین امپراتور خاندان مینگ (۱۴۲۴ - ۱۴۰۳) سیاست درهای باز اعلام شد و با اعزام یک مسلمان به نام «ژن خی» (ژنگ‌هه) در رأس یک ناوگان بزرگ برای دیدار از «شی یان» کوشید مناسبات دریائی را توسعه دهد نخستین سفر او در سال ۱۴۰۵ م آغاز و هفتمین آن‌ها به سال ۱۴۳۳ م به پایان رسید. از این هفت سفر دریائی «ژن خی» چهار سفر او به هرمز بود. در چهارمین سفر «ژن خی»، تجارت دریائی میان چین و ایران تجدید شد زیرا در سفرهای بعدی، هرمز بندر مهمی برای ناوگان وی و پایگاهی برای ناوگان اصلی شد. بعضی کشتی‌های او از هرمز به عربستان و ساحل آفریقای شمالی اعزام می‌شدند. (۲)

متونی که هرمز را به عنوان مقصد نهائی سفرهای چهارم و پنجم و ششم ثبت می‌کنند از این قرارند: در سال ۱۴۱۳ م، ژن خی، ناوگان چین را به سوی پادشاهی هرمز و دیگر پادشاهی‌ها هدایت کرد و در سال ۱۴۱۵ م باز گشت.

در سال ۱۴۱۷ م ژن خی، ناوگان مزبور را به سوی «شی یان» هدایت کرد. پادشاه هرمز شیرها، پلنگ‌ها و اسب‌هایی به او تقدیم کرد. در سال ۱۴۲۱ م، ژن خی، ناوگانی را هدایت کرد که مأموران پادشاهی هرموز و دیگر پادشاهی‌ها را که در چین زندگی می‌کردند، به سرزمین مادریشان بازگردانید. مقصد سفر هفتم ناوگان اصلی ژن خی نیز هرمز بود که از آنجا هیأت‌هایی به مکه، ظفار و عدن فرستاده شدند. (۳)

نکته در خور اهمیت آنکه ژن خی و افرادش، سکاندار، ملوان و مترجمانی از میان مسلمانان چوین ژو از ایالت فوجیان به خدمت می‌گرفتند. آن در حقیقت بازمندگان مسلمانان ایرانی از دوران سلسله یوان بودند که در ساحل شرقی بندر «خاؤژو» در «چوین ژو» زندگی می‌کردند.

همه مدارک چینی مقارن پایان سده چهاردهم و دهه‌های آغازین سده پانزدهم که با حکومت دودمان تیموری انطباق دارد به هرمز به عنوان یک پادشاهی، و به وضوح مشخص تر از پادشاهی شاهرخ تیموری در هرات اشاره کرده‌اند.

اقامت‌های طولانی ژن خی و همراهان در جزیره سبب تماس و ارتباط مکرر آنان با نخبگان محلی گردید و به احتمال بسیار زیاد، اطلاعات آن‌ها از قدرت تجاری پادشاهی هرمز و ماهیت نظام تبادل تحف و هدایا و آگاهی متنوع اجتماعی - اعتقادی - جغرافیائی و فرهنگی، و نقش هرمز در تجارت با خاورمیانه و نقش مستقیم آن در تجارت با منطقه مدیترانه از همین راه به دست آمده است.

هیچ یک از متون و منابع فارسی عصر تیموری به ناوگان ژن خی اشاره‌ای نکرده‌اند و از آن میان صرفاً

دو منبع فارسی به رابطه میان شاهان هرمز و چین دوره مینگ پرداخته‌اند: اولی «منتخب التواریخ معینی اثر معین الدین نطنزی (۱۴۱۴ م / ۸۱۷ هـ) است و دومی «تاریخ جعفری» به قلم جعفر بن محمد بن حسن (۱۴۴۶ م / ۸۰۸ هـ). اولی از نامه‌های شاهان چین به قطب الدین تهمتن شاه هرمز (۴) و دومی از ورود کشتی‌های چینی به هرمز در دوره حکومت «سیف الدین مہار» (حدود ۱۴۳۶ - ۱۴۱۷ م / ۸۴۰ - ۸۲۰ هـ) سخن گفته‌اند. (۵)

از این رو به جرأت می‌توان گفت که وقایع نگاران ایرانی تقریباً چیزی در باره حضور چینیان در هرمز و نیز در مورد ایلچیان و سفرای متعددی که از هرمز به چین و بالعکس اعزام می‌شدند، نمی‌گویند. این اطلاعات بسیار با اهمیت را تنها می‌توان از متون چینی دوره‌های یوان و مینگ به ویژه اسناد رسمی، سالنامه‌های سلسله مینگ، سنگ نبشته‌های چینی ایالت فوجیان، و علی‌الخصوص سفرنامه‌ها یا گزارش‌های سه تن از همراهان ژن‌چی به نام‌های «ما - هوان» (۱۴۱۶ م / ۸۱۹ هـ)، «گونگ ژن» (۱۴۳۴ م / ۸۳۷ هـ) و «فای زین» (۱۴۳۶ م / ۸۴۰ هـ) به دست آورد.

ورود ناوگان‌های ژن‌چی به خلیج فارس با حکمرانی دو تن از پادشاهان هرمز یعنی قطب الدین فیروز شاه (۱۴۱۷ - ۱۴۰۰ م / ۸۲۰ - ۸۰۰ هـ) و سیف الدین مہار (۱۴۳۶ - ۱۴۱۷ م / ۸۴۰ - ۸۲۰ هـ) مقارن بود. این دو حکمران، تأثیر عمیقی در هرمز قرن پانزدهم میلادی / نهم هجری گذارند. تمامی اطلاعات دست اول درباره هرمز مثل اطلاعات مربوط به بسیاری از بنادر و جوامع دور دست، سیاهه کالاهای وارداتی و صادراتی، جنبه‌های سیاسی و اجتماعی، عرف و عادت، بازارها و بازرگانان، به دست همان سه تن از همراهان ژن‌چی گردآوری شده است، و منابع بعدی صرفاً به تکرار مطالب این سه مؤلف پرداخته‌اند بی آنکه چیز جدیدی به مجموعه اطلاعاتی آن زمان بیفزایند. (۶)

آثار این سه تن، مانند تاریخ قدیمی «وانگ دایو آن» (قدیم‌ترین توصیف هرمز به زبان چینی) بر داده‌های مردم‌نگاری متمرکز است و آن گاهشماری تاریخی روابط سیاسی را در اختیار نمی‌گذارد. برای بازسازی آن باید به منابع مربوط مراجعه کرد. دو کتاب نخست به قلم «ماهوان» و «گونگ ژن» بسیار به هم شبیه‌اند. از آنجا که کتاب «ماهوان» قدیم‌تر است تلاش شده است در این مقاله صرفاً به برگردان بخش هرمز از کتاب او بسنده شود.

«ماهوان»، مترجم بود و در سه سفر چهارم و ششم و هفتم از هرمز دیدن کرد و یقیناً فرصت کافی برای گردآوری جزئیات لازم برای سفرنامه خود داشت. با این حال از آنجا که مقدمه خود وی تاریخ ۱۴۱۶ م / ۸۱۹ هـ را بر خود دارد احتمالاً اظهارات وی درباره هرمز صرفاً از سفر چهارم نشأت گرفته است. (۷)

«ماهوان» فردی مسلمان بود. اسلام او در توصیفش از هرمز کاملاً هویداست. چنانکه وی در سفر آخر خود با بخشی از ناوگان چینی از کالیکوت به مکه رفت، بی آنکه از هرمز گذر کند. احتمالاً زیارت مکه برای او اهمیتی خاص داشته است. (۸)

به طور کلی، ماهوان، به جامعه هرمز به چشم مدینه آرمانی و اتوییا نگرسته و بر خلاف تمام مورخان ایرانی و جهانگردان خارجی، این جامعه را منحصرأ مسلمان و منزه و مذهبی می‌بیند. این در حالی است که هرمز به عنوان یک پایگاه تجاری بین‌المللی که با بنادر عمده شبه جزیره عربستان، سواحل آفریقا، عراق، بنادر شرق دریای مدیترانه، هند و چین ارتباط داشته است، اقلیت‌های دینی متعددی چون یهودی (۹)،

مسیحی(۱۰)، هندو(۱۱)، و حتی «کفار بی دین»(۱۲) را در کنف حمایت خود داشت. بی گمان، اهمیت دیگر کتاب ماهوان در این است که گزارش او بر خلاف سایر رویدادنامه‌ها که بر تحولات سیاسی متمرکز شده است عموماً جزئیات چشم انداز کامل اجتماعی - اقتصادی هرمز را به تصویر کشیده است.

ماهوان به زیباترین شکلی به معرفی هرمز پرداخته است. شیوه معرفی ساکنان هرمز، غیرت دینی آنان، رفاه مادی و بهروزی کلی آن‌ها به گونه‌ای است که نشان می‌دهد وی قصد داشته موقعیت و اهمیت این بندر را بالا ببرد. قدر مسلم آنکه امیال ماهوان در مقام یک مسلمانان وارسته و متورع در ترسیم سیمای هرمز نقشی موزون و ماهوی داشته است.

اصل کتاب ماهوان با عنوان « ینگ - های - شنگ - لو » (توصیف سواحل اقیانوس در سال ۱۴۳۳) توسط ج. و. گ. میلز به زبان انگلیسی در آمد و همراه با مقدمه، حواشی، پاورقی‌ها و پیوست‌ها در سال ۱۹۷۰ م در مجموعه انتشارات دانشگاه کمبریج با عنوان زیر به چاپ رسید :

Ma Huan, Ying - Yai Sheng - Lan, The Overall Survey Of The Ocean Shores, 1433. Trans and Ed by Mills, J.v.G. Cambridge, 1970.

و ما در صفحات زیر، فارسی شده بخش هرمز این سفرنامه را به خوانندگان عزیز مجله تقدیم می‌داریم.

### جزیره هرمز به قلم ماهوان چینی :

اگر کشتی از بندرگاه کالیکوت به سمت شمال غربی به راه افتد پس از ۲۵ روز دریایی در بادهای ملایم به سرزمین هرمز می‌رسد. تختگاه هرمز بر کرانه دریا و در سینه کوه نهاده است. کشتی‌های تجاری از همه کشورهای به هرمز می‌آیند. بازرگان سرزمین‌هایی که در جاده‌های کاروان‌رو زمینی آمد و شد می‌کنند، همگی برای خرید و فروش انواع مال‌التجاره سر به هرمز می‌گذارند(۱۳). از این رو، مردم سرزمین هرمز به غایت ثروتمندند.

سلطان و اهالی هرمز بر آئین اسلام می‌باشند و آنان مردمانی با وقار، باریک بین و سخت با ایمانند. پنج نوبت در روز نماز می‌گزارند، غسل می‌کنند و روزه بجای می‌آورند. سنت‌ها و آداب و رسومشان پاک و شریف است. هیچ خانواده تهیدستی در میانشان یافت نمی‌شود. چنانکه خانواده‌ای به فقر و تنگدستی دچار آید همه‌گونه خوراک و پوشاک و نقدینه بدو دهند و تنگدستی او را چاره می‌سازند. اهالی هرمز تن و پیکری متناسب، سیمائی جذاب و بنیه‌ای قوی دارند. جامه و دستارشان زیبا و باشکوه و بس دلکش است. مراسم ازدواج و آداب خاکسپاری مرده‌گان بر پایه شریعت اسلامی صورت می‌گیرد.

چنانچه مردی اندیشه ازدواج پیشه گیرد فردی از ریش سفیدان و معمرین را به رسم میانجی به خانواده زن می‌فرستد تا شرایط توافق طرفین را معلوم سازد. آنگاه خانواده داماد جشن برپا کنند و شیخی را به این مراسم فرا می‌خوانند تا آداب شریعت را در امر ازدواج به اجرا گذارد. همچنین دست‌اندرکاران و گردانندگان مراسم و سالمندان خویشاوند را به این جشن دعوت می‌کنند. در طی این مراسم، هر یک از خانواده‌های عروس و داماد، تیره و تبار و خود را تا سه پشت به یکدیگر اعلام دارند همین که سند ازدواج به امضاء رسد آئین جشن ازدواج معلوم می‌گردد. اگر این مراسم به انجام نرسد حکومت، این طفره روی را زنا تلقی

می‌کند و فرد گنه‌کار را گوشمالی می‌دهند.

چون کسی از اهالی هرمز به دارفانی شتابد وی را جامه سفید پوشانند. آنگاه با ابریقی از آب پاک، دو سه نوبت تن او را سرتا پا می‌شویند و پس از تطهیر، دهان و دماغ او را به مسک و کافور می‌آکنند. سپس او را کفن نموده در تابوت می‌گذارند و سرانجام او را دفن کنند. دیوارهای گور را از سنگ می‌سازند. در کف گور، پنج یا شش اینج‌شن و ماسه پاک و تمیز پهن می‌کنند و تنها خود جسد را به درون قبر می‌گذارند. آنگاه قبر را با سنگ، مسقف می‌سازند و روی آن را با خاک می‌پوشانند (۱۴).

مردم جزیره در تهیه غذا از روغن خوراکی استفاده می‌کنند؛ روغن را به غذای خود می‌آمیزند و اغذیه خویش را بدان طبخ می‌کنند. گوشت بریان شده بره، کهره، جوجه و ماکیان در بازارهای جزیره به فروش می‌رسد. انواع کماج و آردینه و هریسه و غذاهای گوشتی، و همه‌گونه حبوبات طبخ شده در بازار عرضه می‌شود. بعضی از خانواده‌های کم‌تعداد دو سه نفره، بجای پخت غذا در خانه، خوراک خویش را از بازار تهیه می‌کنند (۱۵).

پادشاه هرمز سکه‌ای نقره‌ای به نام دینار ضرب می‌کند که قطر آن شش فنات (هفت اینچ) است و بر پشت آن نوشته‌ای به خط و حروف عربی نقش بسته است. وزن این سکه چهار حبه (۴۷۹٪ اونس) می‌باشد و در منطقه رواج عام و تام دارد (۱۶).

بازارهای جزیره تمام مخازن و انبارها را در برمی‌گیرد. در این بازارها همه‌گونه کالا یافت می‌شود اما از مشروبات الکلی خبری نیست زیرا شرابخوران، به حکم قانون، اعدام می‌شوند (۱۷).

صاحب منصبان، سپاهیان، پزشکان و غیبگویان این مملکت، بر مانندگان خویش در سایر کشورها برتری دارند (۱۸). از هر فن و حرفه‌ای، خبرگانی چیره‌دست در این جزیره یافت می‌شود.

از تردستی‌ها و بندبازی‌ها و برنامه‌های محیرالعقول بجز بالا رفتن کهره از تخته عمودی، چیز دیگری از این دست حرکات آکروباتیک در جزیره وجود ندارد، با این همه، این نمایش، به غایت شگفت‌انگیز است. در این نمایش از تیرک چوبی عمودی به بلندای حدود یک شنگ (۲۰ پا) استفاده می‌شود. این عمود چوبی تنها به اندازه سُم بزغاله پهنا دارد. یک سرتیرک را در زمین نهاده محکم می‌کنند. آنگاه یکی از مجریان، بزغاله نر سفیدی را می‌آورد؛ در حالی که آن مرد دست افشانی می‌کند و آواز می‌خواند، آن بزغاله به صدای طبل راه می‌افتد و نرم نرمک به تیرک چوبی نزدیک می‌شود.

سپس بزغاله، دو پای پیشین خود را بر تیرک عمودی گذارده به سرعت می‌جهد و دو پای پسین را هم روی تیرک می‌کشد. در این هنگام مرد یاد شده، تیرک دیگری برمی‌دارد و آن را جلوی پاهای بزغاله می‌گذارد. از این رو بزغاله دو پای جلویی خود را با یک حرکت روی سر عمود دوم قرار می‌دهد و بلافاصله دو پای عقبی را هم بالا می‌کشد و آن مرد، عمود دوم را محکم می‌کند. و بدین ترتیب، بزغاله، بر بلندای دو تیرک عمودی قرار می‌گیرد. و به ارائه حرکات نمایشی و پایکوبی و حرکات رقص آمیز می‌پردازد. مجری برنامه، تیرک سوم را می‌آورد، و پس از آن، پنج شش ستون دیگر را پشت سر هم کار می‌گذارد تا بلندای آن را به حد اعلی برساند. در نتیجه، ارتفاع این تیرک به حدود یک شنگ (یعنی تقریباً ۲۰ پا) می‌رسد. همین که رقص و حرکات آکروباتیک بزغاله به پایان می‌رسد، بر تیرک میانی می‌ایستد، و مجری برنامه،

بزغاله را در آغوش خود می‌گیرد.

آنگاه از بزغاله می‌خواهد بر روی زمین دراز بکشد و تظاهر به مردن نماید. آن بزغاله هم چنین می‌کند؛ نخست از او می‌خواهد دو پای پیشین خود را دراز کند و او نیز همان می‌کند. آنگاه می‌خواهد پاهای عقبی را بر روی زمین پهن کند و او هم چنین می‌کند و بدین ترتیب نمایشی از مردن ارائه می‌دهد. در این هنگام، مرد دیگری می‌آید که درازگوش سیاه و تنومندی به بلندای ۳ شیخ (۷ / ۳۶ اینچ) از پی خود می‌کشد و به شیوه‌های گوناگون بازی‌های ماهرانه‌ای به نمایش می‌گذارد. یک بار از یکی از تماشاگران خواست دستمالی را چند بار تا کند و چشمان درازگوش را با آن دستمال محکم ببندد، و از تماشاگر دیگری خواست دزدکی و پنهانی، ضربه‌ای به سر الاغ بزد و در میان جمعیت تماشاچیان مخفی شود. آنگاه آن مرد، دستمال را از روی چشمان الاغ باز می‌کند و از الاغ می‌خواهد شخصی را که به سر او ضربه زده است در میان جمعیت پیدا کند. از این رو، درازگوش، با همه فراوانی جمعیت حاضران، مستقیماً به سراغ فرد ضربه زنده می‌رود و به سوی او اشاره می‌کند، و لذا، این تردستی و شعبده‌گری، جزء حیرت‌انگیزین همه آن بازیها بود (۱۹).

آب و هوای هرمز شامل دو فصل سرد و گرم است. غنچه گل‌ها در بهار شکفته، و برگ درختان در پائیز فرو می‌ریزد. زمستان آن‌ها سرد و یخبندان است، اما برف نمی‌بارد. میزان بارندگی کم اما شبنم جزیره بس متراکم است (۲۰).

جزیره هرمز تنها یک کوه بزرگ دارد. در چهار جانب آن، چهار ماده و محصول رنگارنگ به دست می‌آید: از یک جانب آن، نمکی شبیه نمک دریا به دست آید که به رنگ سرخ می‌باشد. اهالی جزیره، این نمک را درست بمانند سنگ، با کلنگ آهنی از کوه استخراج می‌کنند. برخی از این سنگ نمک‌ها، ۳۰ - ۴۰ شین وزن دارند (۳۰ شین = ۴ / ۳۹ پوند). این نمک، فاقد هرگونه رطوبت است، و معمولاً پیش از استفاده، کوبیده، آرد و آسیاب می‌شود. از جانب دیگر کوه، خاک سرخی به رنگ شنگرف سیماب به دست می‌آید. از جانب سوم کوه، خاک سفید رنگ آهکی شکلی استخراج می‌شود که یوارها را بدان رنگ می‌کنند از سمت چهارم کوه، خاک زرد رنگی شبیه زردچوبه می‌گیرند.

باری، بر تمام این منابع و معادن، کارگزاران حکومتی نظارت و اشراف می‌نمایند (۲۱). بازرگانان، از سرزمین‌ها و کشورهای مختلف برای خرید و فروش این محصول به جزیره هرمز می‌آیند. از محصولات کشاورزی جزیره، برنج و گندم است که به مقدار ناچیزی به دست می‌آید. این دو کالاها را همچنین از کشورهای گوناگون خریداری نموده به هرمز می‌آورند و به قیمت گزاف به فروش می‌رسانند. از میوه‌ها و سبزی‌های جزیره به محصولات چون گردو، بادام، صنوبر، انار، انواع انگور، هلوی خشکیده، سیب، خرما، هندوانه، خیار، پیاز، تره، سیر، خربزه، و جز آن می‌توان اشاره کرد. در این جزیره، هویج قرمز بسیار کشت می‌شود و حجم آن به اندازه ریشه نیلوفر است. خربزه جزیره جدا بزرگ است و درازی بعضی از آن‌ها به ۴ / ۲۴ اینچ می‌رسد. مغز گردوی آنجا سفید، و پوست آن نازک است و به راحتی با فشار دست باز می‌شود. درازای دانه کاج نزدیک به یک تسون (۲ / ۱ اینچ) است.

انگور جزیره سه چهار نوع است؛ یک نوع آن شبیه خرما خشک است و رنگ آن ارغوانی می‌باشد. نوع دوم آن به اندازه بذر نیلوفر است و هسته ندارد و معمولاً آن را می‌خشکانند. گونه سوم به حجم لوبیایی سبز

و به رنگ سفید است. بادام جزیره شبیه گردو، نرم، کشیده و سفید رنگ می‌باشد و مغز آن، طعم و مزه‌ای خوشتر از گردو دارد. حجم انار جزیره به اندازه فنجان چای خوری، و حجم سیب به اندازه پنجه دست است و میوه‌ای بس لذیذ، خوشبوی و خوشمزه می‌باشد.

سه نوع خرما از جزیره به دست می‌آید؛ نوع اول، موسوم به دشب، دارای دانه هائی به اندازه انگشت ابهام و هسته کوچک است و به مانند نبات از آن استفاده می‌شود. درجه شیرینی و حلاوت آن چنان بالاست که خوردن آن چندان سهل و ساده نیست. نوع دوم خرما، پس از چیدن و کوبیدن و له کردن، به ۲۰ تا ۳۰ قطعه بزرگ تبدیل می‌شود و طعم آن مثل برسیمون خشکیده، مرغوب و ممتاز به شمار می‌آید. نوع سوم شبیه عناب اما بزرگتر از آن است و طعم آن ترش می‌باشد و معمولاً آن را به عنوان علوفه به حیوانات می‌دهند (۲۲).

همه‌گونه کالای نفیس از گوشه کنار جهان به هرمز آورند.

انواع جواهر و الماس چون یاقوت آبی، زرد و قرمز، زمرد و جواهرات « چشم گریه‌ای»، الماس و مرواریدهای دانه درشت به وزن یک شین و دو تا سه فن (fen) (۶۹ جبه جو) (۲۳)، شاخه‌ها و درخت‌های مرجانی، کهربانی زرین، دانه‌های تسبیح، عنبر مایع و عنبر سیاه، لوازم زیبای بلوری و یشمی، انواع پارچه مخملی زر بفت سوزن دوزی شده (طول پُرز آن یک یا دو فن (fen) و طول هر قطعه دو شنگ و عرض آن یک شنگ) (۲۴)، انواع پارچه‌های پشمی و پنبه‌ای و نمدی و پارچه‌های ململ یا اطلس چینی، انواع دستمال‌های ابریشمی سوزن دوزی شده خارجی به رنگ‌های آبی و قرمز و غیره در بازارهای هرمز به فروش می‌رسد. چنانکه چارپایانی چون شتر، اسب، استر، گاو و کهره به فراوانی در جزیره یافت می‌شود. بز و گوسفند جزیره چهار دسته اند؛ دسته اول پیه بزرگی دارند و وزن هر یک ۷۰ - ۹۰ شین (۹۲ پوند)، و پهنای پیه آن ها ۲ / ۱۲ اینچ می‌باشد و غالباً به زمین می‌کشد و وزن آن زیاده بر ۲۰ پوند (۳ / ۲۶ پوند) است. دسته دوم، دمی شبیه دم سگ دارند و بمانند بز کوهی می‌باشند و طول پیه آن ها بیش ۴ / ۲۴ اینچ است. نوع سوم، ماده بُر شاخ‌زن یا قوچ باز می‌باشد که بلندی آن ها ۲ شیح (۲۵) و ۷ یا ۸ تسون (۲۶) (۳۳ اینچ) است و موی بلند دارند و موهای آن ها در جلو بر زمین می‌کشد در حالی که پشت آن ها پاک و بی موست و از جنبه سر، صورت، گردن و پیشانی شبیه گوسفند می‌باشند و شاخ‌های آن ها به سمت پیشانی‌شان می‌پیچد. به شاخ این نوع بزها، زنگ فلزی کوچکی آویخته می‌شد تا صدای آن به هنگام راه رفتن شنیده شود. این نوع به خصوص از بزها، بنا به سرشت و ماهیت خود از شاخ‌زنی و قوچ‌بازی لذت می‌برند. نادره کاران، این نوع از بزها را در خانه‌های خود پرورش می‌دهند تا در مسابقات قوچ بازی با بز دیگری شاخ به شاخ شوند و بر سر آن ها با پول شرط‌بندی می‌کنند.

در مملکت هرمز حیوانی به نام سیاه‌گوش (گریه وحشی) می‌زید. اندازه آن به مانند گریه بزرگ، و بدن آن مانند دم لاک‌پشت و حشره دُرّاح تماماً خال‌خال و خال‌چین است، و گوش‌های آن تیز و سیاه می‌باشد و آن جانوری وحشی ولی بی‌آزار است، و اگر شیر، پلنگ و دیگر جانوران وحشی با آن روبرو شوند در برابرش سر تعظیم فرود می‌آورند و کوتاه می‌آیند چرا که او سلطان حیوانات منطقه به شمار می‌آید (۲۷). علاوه بر اینها، پادشاه هرمز، یک فروند کشتی با تعدادی شیر، زرافه، اسب و... مقادیری مروارید و سنگ‌های قیمتی و یک لوح زرین به رسم یادبود برای تختگاه چین فراهم ساخته و فرستادگان خود را

که با کشتی‌های حامل گنجینه‌هایی که امپراتور چین به رسم هدایا برای وی فرستاده بود (و اینک از راه اقیانوس غربی عازم بازگشت به چین بودند)، همراه کرد؛ ایلچیان سلطان، رهسپار پایتخت چین شدند و هدایای یاد شده را به تقدیم رساندند. (۲۸)

پایان فصل هرمز از سفرنامه ماهوان



## پی نوشت

- ۱- نداشن، چن، منابع فوجیانی پیرامون تجارت میان چین و هرمز در سده پانزدهم، ترجمه دکتر جواد عباسی، پژوهشنامه خلیج فارس، ضمیمه کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش ۸۷ - ۸۶، ۱۳۸۷، ص ۲۷ - ۲۸.
- ۲- همان، ص ۲۸ و ۲۹.
- ۳- همان، ص ۳۰.
- ۴- نطنزی، معین الدین، منتخب التواریخ، کتابفروشی خیام، چاپ اول، ۱۳۳۶، ص ۱۸.
- ۵- کاوتس، رالف و رودریش پتاک، هرمز در منابع دوره‌های یونان و مینگ، ترجمه مهرداد وحدتی، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۸۷، ص ۱۱.
- ۶- همان، ص ۵۷.
- ۷- همان، ص ۵۷.
- ۸- همان، ص ۵۹.
- ۹- لوائی، منصور، یهودیان هرمز در عصر صفوی، گلپنگ، ش ۱۸ و ۱۷، دوره جدید، زمستان ۸۸ و بهار ۸۹، ص ۷۵ - ۹۱.
- ۱۰- زنجانی، مهدی آقا محمد، اسناد روابط تاریخی ایران و پرتغال، مرکز اسناد و خدمات پژوهشی، انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول، ۱۳۸۳، صفحات متعدد کتاب.
- ۱۱- همان، صفحات متعدد کتاب.
- ۱۲- سمرقندی، کمال الدین عبدالرزاق، مطلع السعدین و مجمع البحرین، چاپ لاهور، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۷۴۹.
- ۱۳- این عبارت که بازرگانان سراسر جهان از طریق خشکی و دریا برای تجارت به هرمز می‌آیند تقریباً از سوی تمام رویدادنگاران داخلی، جغرافیا نویسندگان مسلمان و جهانگردان خارجی از قبیل لودویکو دی وارتما، دوارته باربوسا و بسیاری دیگر مورد تأیید قرار گرفته است. برای آگاهی بیشتر از نقطه نظر وارتما بنگرید به: « لوائی، منصور، هرمز از سفرنامه لودویکو دی وارتما، گلپنگ، ش ۲۰ و ۱۹ سال ۱۳۹۰، ص ۹۴ - ۹۵ و « لوائی، منصور، هرمز از سفرنامه دوارته باربوسا، گلپنگ، ش ۲۰ و ۱۹ سال، ص ۱۰۶ - ۱۰۷.
- ۱۴- از میان جهانگردان، مارکو پولو بیش از همه به مسئله سوگواری زنان در هرمز توجه و تأکید کرده است. سفرنامه مارکو پولو، ص.
- ۱۵- دوارته باربوسا نیز این معنا را تأیید کرده است. بنگرید به: هرمز از سفرنامه دوارته باربوسا، منصور لوائی، گلپنگ، ش ۲۰ و ۱۹ سال ۱۳۸۹، ص ۱۰۷ - ۱۰۸.
- ۱۶- باربوسا نیز از این امتیاز شاهانه ضرب سکه یاد کرده است. بنگرید به منبع پیش گفته. به طور کلی در دوران پرتغالی‌ها سکه‌های زیر در هرمز رایج بوده است: سکه‌های مسین ۱۰ دیناری، فلس، سکه نقره‌ای لاری یا تنگه، سکه نقره‌ای سادی، سکه طلائی هزار دیناری (نیم اشرفی) و سکه تمام اشرفی طلائی که در متون پرتغالی اغلب زرافیم نامیده می‌شد. سکه‌های موجود هرمز تاریخ قرن سیزدهم میلادی / هفتم هجری به بعد را دارند. به هر تقدیر جزیره هرمز یکی از ضرابخانه‌های مهم پیرامون خلیج فارس را داشت (کاوتس، رالف؛ هرمز در منابع دوره‌های یونان و مینگ، همان، ص ۶۱) هر چند که پس از آزاد سازی هرمز و اخراج پرتغالی‌ها از آن جزیره دیگر نام این جزیره را در فهرست ضرابخانه‌های ایران نمی‌بینیم. بنگرید به: سرفراز، علی اکبر و فریدون آوزمانی، سکه‌های ایران، انتشارات سمت، چاپ دوم ۱۳۸۰، ص ۳۴۸.
- ۱۷- احتمالاً این قانون ویژه هرمز بوده است هر چند قبول آن با توجه به واقعیت‌ها و قراین آن دوران دشوار می‌نماید زیرا شریعت اسلام مجازات شرابخواری را ۴۰ تا ۸۰ ضربه شلاق تعیین کرده است. به هر تقدیر، این جمله مؤلف آشکارا نشان می‌دهد که ماهوان سعی کرده است عنصری دیگر به تصویر

« آرمانی » خود از شهر بندری اسلامی بیفزاید. بخاطر داشته باشیم که مارکو پولو، از شراب خرمای آن نوشیده است و آن را بسیار مست کننده یافته است. دوارته باربوسا هم نوشته است که هرمزی‌ها در خفا شراب انگور می‌نوشند زیرا قوانین شرع آن را نهی کرده است (کاوتس، همان، ص ۶۲، و لوائی، هرمز از سفرنامه باربوسا، همان، ص ۱۰۸).

۱۸- رالف کاوتس می‌نویسد که این « برتری » ادعائی به خوانندگان این برداشت را القاء می‌کند که ماهوان خیال پردازی می‌کند. بنگرید به : کاوتس، همان، ص ۶۲.

۱۹- این متن طولانی ماهوان درباره بندبازی در هرمز که خود شخصاً مشاهده کرده است نشان می‌دهد که سرگرمی‌هایی از این دست در بسیاری شهرها آن روزگار پرطرفدار بوده است. بنگرید به : کاوتس، همان، ص ۶۲.

۲۰- توصیف ماهوان از گل‌ها، درختان، یخچندان و شبنم شدید، نمی‌تواند به تنهایی توصیف خود جزیره هرمز باشد چه می‌دانیم و همگان بر این نکته توافق دارند که آب و هوای جزیره بس گرم و طاقت فرسا می‌باشد و این معنا را کسانی بسیاری تأیید کرده‌اند. تنها احتمال قابل قبول آن است که ماهوان، آب و هوای تمامی قلمرو پادشاهی هرمز را ملاک قرار داده باشد. در غیر اینصورت چاره‌ای نداریم جز این که بپذیریم که مؤلف، در اینجا نیز در صدد ارائه « تصویری آرمانی » از هرمز می‌باشد.

۲۱- جزیره هرمز در واقع از سنگ نمک و گچ تشکیل شده و ستیخ قلّه آن به سفیدی برف است. تکسیرا و باربوسا نیز به توصیف بهره برداری از نمک و صدور آن به هند پرداخته‌اند. اما تکسیرا می‌گوید از این نمک در هرمز استفاده نمی‌شود زیرا گوشت را خراب می‌کند. هرمزبان صرفاً از نمک دریا استفاده می‌کردند. بنگرید به : لوائی، هرمز از سفرنامه دوارته باربوسا، همان، ص ۱۰۸ و بیدرو تکسیرا، بیدرو، تاریخ الخلیج و البحر الحمر فی اسفار بیدرو تیخسیرا، ترجمه عیسی امین، موسسه الایام للصحافه و الطباعه و النشر و التوزیع، بحرین ۱۹۹۶، ص ۹۳. ابن بطوطه هم می‌گوید که هرمزبان از نمک کوه، ظروف و پایه‌های تزئینی مجسمه، ستون و یک نوع فانوس می‌سازند که چراغ را توی آن می‌گذارند. بنگرید به : ابن بطوطه، سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه محمد علی موحد، انتشارات آگاه، چاپ ششم، ۱۳۶۷، ص ۳۳۳، سمرقندی، عبدالرزاق، مطلع السعدین و مجمع البحرین، چاپ لاهور، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۷۴۸، و نیز رالف کاوتس، همان، ص ۶۳.

۲۲- به استثنای خرما و انگور که ماهوان به تفصیل از آن‌ها یاد می‌کند سایر میوه‌ها و سبزیجات صرفاً بر آمده هرمز نیستند بلکه ماهوان به احتمال قوی سراسر قلمرو پادشاهی هرمز را ملاک قرار داده است علاوه بر این برخی از محصولات از دیگر قسمت‌های ایران وارد می‌شد.

۲۳- حدوا ۴/۴۷ گرم.

۲۴- یک فن برابر ۱٪ اینچ و یک شنگ برابر ۱۰ پا و دو اینچ.

۲۵- یک شیخ برابر ۲ / ۱۰ اینچ است.

۲۶- یک تسون برابر ۲ / ۱ اینچ است.

۲۷- چنانکه ملاحظه می‌شود ماهوان یکایک حیوانات رایج هرمز را بر می‌شمارد و شرح مفصلی از انواع گوسفند و بز به دست می‌دهد. چنانکه رالف کاوتس می‌گوید تعجب در این است که چرا به توصیف اسب که در تجارت با کشورهای آن سوی اقیانوس هند تا بدان پایه اهمیت داشت نپرداخته است. و در عوض به معرفی حیوانی به نام سیاه گوش می‌پردازد. بنگرید به کاوتس، همان، ص ۶۶.

۲۸- هر چند که ماهوان از مسئول این دسته از کشتی‌های چینی نام نبرده است اما از قراین پیداست که مراد او همان کشتی‌های ژن خی می‌باشد.

## منابع و مأخذ

- ۱- ابن بطوطه، سفرنامه، ترجمه محمد علی موحد (۱۳۷۶)، نشر آگاه، چاپ ششم.
- ۲- تیخسیرا، بیدرو، تاریخ الخلیج و البحر الاحمر فی اسفار بیدرو تیخسیرا (۱۹۹۶)، ترجمه عیسی امین، مؤسسه الایام للصحافه و الطباعه و النشر و التوزیع، بحرین.
- ۳- زنجانی، مهدی آقا محمد، اسناد روابط تاریخی ایران و پرتغال (۱۳۸۲)، مرکز اسناد و خدمات پژوهشی، انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول.
- ۴- سرفراز، علی اکبر و فریدون آوزرمانی، سکه‌های ایران (۱۳۸۰)، انتشارات سمت، چاپ دوم.
- ۵- سمرقندی، مولانا کمال الدین عبدالرزاق، مطلع السعدین و مجمع البحرین (۱۳۶۰)، چاپ لاهور.
- ۶- کاوتس، رالف و رودریش پتاک، هرمز در منابع دوره‌های یوان و مینگ (۱۳۸۳)، ترجمه مهرداد وحدتی، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول.
- ۷- لوائی، منصور، هرمز از سفرنامه دوارته باربوسا (۱۳۸۹)، مجله گلپنگ، ش ۲۰ و ۱۹.
- ۸- لوائی، منصور، هرمز از سفرنامه لودویکو دی وارتما (۱۳۸۹)، مجله گلپنگ، ش ۲۰ و ۱۹.
- ۹- لوائی، منصور، یهودیان هرمز در عصر صفوی (۱۳۸۹)، گلپنگ، ش ۱۸ و ۱۷.
- ۱۰- مارکو پولو، سفرنامه (۱۳۵۰)، ترجمه حبیب الله صحیحی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۱۱- نداشن، چن، منابع فوجیانی پیرامون تجارت میان چین و هرمز در سده پانزدهم (۱۳۸۷)، ترجمه جواد عباسی، پژوهشنامه خلیج فارس، ضمیمه کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش ۸۷ - ۸۶.
- ۱۲- نطنزی، معین الدین، منتخب التواریخ (۱۳۳۶)، کتابفروشی خیام، چاپ اول.